

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی فارسی^۱

نگار مومنی

دکترای زبان‌شناسی همگانی

چکیده

انسان همواره در جامعه نیازمند ارتباطات اجتماعی بوده و هست، و همیشه افرادی نیز بوده‌اند که به علت تن ندادن به هنجارهای اجتماعی، مایل نبوده‌اند مکالماتشان بر دیگر گویشوران آشکار شود. پس مبادرت به ایجاد گونه‌ی زبانی خاصی کرده‌اند تا بتوانند بدون بروز مشکل به ارتباط با یک‌دیگر بپردازند. چنین گونه‌ی زبانی‌ای را زبان مخفی می‌نامند. یکی از گروه‌هایی که تمایل ندارند اسرار و مکالماتشان بر دیگران فاش شود نوجوانان و جوانان هستند. زبان مخفی، مانند هر زبان دیگر، دارای فرایندهای واجی، ساخت‌واژی و روابط معنایی خاص خود است. هدف از ارائه‌ی این تحقیق، شناسایی فرایندهای واژه‌سازی موجود در چنین زبانی است. این تحقیق، به صورت میدانی، در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان (با میانگین سنی ۲۱ سال) صورت گرفته است. در نهایت فرایندهای واژه‌سازی به دست آمده عبارتند از: ابداع، گسترش معنایی، تعبیر نزدیک، گذر از اسامی خاص به عام، قرض‌گیری، واژه با معنای عکس، مخفف‌سازی، جزء واجی، سرواژه‌سازی، ترکیب، کوتاه‌سازی و ادغام. **کلیدواژه‌ها:** زبان مخفی، واژگان، فرایندهای واژه‌سازی.

۱. در این مقاله از راهنمایی استاد گرامی شادروان دکتر علی محمد حق‌شناس بهره گرفته شده است.

۱. مقدمه

”زبان پدیده‌ای اجتماعی است که زمان پیدایش آن به زمان شکل‌گرفتن نخستین اجتماعات انسانی برمی‌گردد... از هنگامی که انسان برای ادامه حیات و بقای خود به زندگی اجتماعی روی آورد، ناگزیر به نوعی نظام ارتباطی برای پیام‌رسانی نیز نیازمند شد و بدین ترتیب، زبان در کلی‌ترین مفهوم و ابتدایی‌ترین شکل آن پدید آمد... بنابراین، زبان در اجتماعات انسانی و در متن زندگی گروهی و روابط اجتماعی، به واسطه نیاز انسان‌ها به ارتباط با یکدیگر، پدید آمد و در یک روند طولانی چندصدهزارساله اشکال گوناگونی به خود گرفت.“ (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱)

در گذشته، زبان‌شناسان، اجتماعات زبانی را به‌طور کلی یک پارچه و همگن فرض می‌کردند. اما امروزه، جامعه‌شناسان زبان بیشتر بر ناهمگن و غیریک‌پارچه بودن آن‌ها تأکید دارند. تنوعات و گوناگونی‌های زبانی، به‌طور کلی، در همه جوامع بشری وجود دارند اما میزان نسبی آن‌ها در جوامع زبانی کوچک، کمتر است. حال این پرسش پیش می‌آید که چه عواملی بر این ناهمگونی‌ها اثر می‌گذارد. مدرسی (همان: ۲۵۲-۱۴۱) به عواملی همچون منطقه جغرافیایی، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، سن، سبک و تحصیلات اشاره می‌کند و آن‌ها را در گوناگونی‌های زبانی مؤثر می‌داند.

یکی از این ناهمگونی‌ها، یک گونه اجتماعی زبان، به نام زبان مخفی است، که به معنای وجود زبانی هم‌راستا با زبان اصلی حاکم بر یک جامعه زبانی است. این گونه زبانی، عمدتاً شامل تغییر در واژگان و اصطلاحات زبان است. سمائی (۱۳۸۲: ۵۰)، بیان می‌کند که ”افراد گروه‌های اجتماعی، تابع هنجارهای گروهی هستند، تا آن‌جا که هنجارها آن‌ها را مجاز می‌کنند تا دست به تغییر در زبان جامعه‌ای بزنند که گروه آن‌ها به آن تعلق دارد.“ به نظر می‌رسد، در بین عوامل مؤثر ذکر شده، نقش سن در به‌وجود آوردن این ناهمگونی پررنگ‌تر است. مدرسی (۱۳۶۸: ۱۷۹-۱۷۷) عنوان می‌کند که «سن عامل مهمی در پیدایش گوناگونی‌ها و تنوعات زبانی است». وارداف^۱ (۱۹۹۰: ۱۰) در مورد تنوع روابط بین زبان و جامعه به پدیده درجه‌بندی سنی^۲ اشاره می‌کند و می‌گوید زبانی که جوانان و کودکان به کار می‌برند با زبان افراد بالغ متفاوت است.

1. R. Wardhaugh
2. age- grading phenomenon

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

منطقی است که این گونهٔ زبانی مستقل، اما همراستا با زبان معیار، دارای ویژگی‌های معنایی، ساخت‌واژی و واجی خاص خود باشد. هدف از ارائهٔ این مقاله، تحلیل ساخت‌واژی (واژه‌سازی) واژگان موجود در زبان مخفی است. نگارنده با مطرح کردن این فرضیه که فرایندهای واژه‌سازی^۱ موجود در زبان مخفی فارسی به چندین دستهٔ جهانی رایج در سایر زبان‌ها، از جمله ابداع، قرض‌گیری، سرواژه‌سازی، ادغام، ترکیب و... تقسیم می‌شوند، در صدد است به دو پرسش زیر پاسخ دهد: فرایندهای واژه‌سازی موجود در زبان مخفی فارسی کدامند؟ و تا چه حد از فرایندهای واژه‌سازی جهانی پیروی می‌کنند؟

۲. بحث و بررسی

سمائی (۱۳۸۲: ۶) می‌گوید:

”نخستین شواهدی که از زبان مخفی به‌دست آمده مربوط به راهزنان بوده است. طبیعی است که این افراد نیاز به وسیله‌ای برای ارتباط داشتند تا اسرارشان پوشیده بماند. واژه‌هایی از متون فرانسوی قرن چهاردهم میلادی وجود دارند که مربوط به زندان است. به‌طورمثال می‌توان به الفاظی نظیر *borsueil, beavoir, beaumont, bardane* اشاره کرد که در زبان فرانسوی رایج آن زمان وجود نداشته‌اند. از آن‌جاکه این جماعت، خلاف قانون رفتار می‌کردند، مجبور به حفظ اسرار خود بودند. دلیل اصلی و عمدهٔ ابداع این گونهٔ زبانی نیز همین بوده است.“

او در ادامه می‌افزاید که: ”لفظ آرگو^۲، ریشه‌ای فرانسوی دارد و اولین بار آن را در قرن پانزدهم به‌کار برده‌اند.“

همان‌طور که اشاره شد عوامل متعددی در ایجاد یک گونهٔ زبانی مؤثرند. برای مثال، مدرسی (۱۳۶۸) سن را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در ساخت یک گونهٔ زبانی معرفی می‌کند. ویژگی‌های زبانی مرتبط با عامل سن ممکن است صرفاً جنبهٔ واژگانی داشته باشند یا به‌صورت گرایش‌های آوایی و دستوری بروز نمایند. در سطح واژگان، هر گروه سنی ممکن است از اصطلاحات ویژه‌ای استفاده کند که در گروه‌های سنی دیگر اساساً کاربردی نداشته باشند، یا

1. word formation process

منظور نگارنده از فرایند واژه‌سازی (ساخت‌واژی)، ساختن واژه‌ای است که بتواند مدخل واقع شود.

2. Argot

بسامد نسبی آن‌ها کمتر باشد. به‌عنوان مثال «خالی‌بستن»، «حال‌گیری» چشایر^۱ (۲۰۰۸) در مقاله «سن و نسل - استفاده خاص از زبان»، به‌نقل از اکرت^۲ (۱۹۹۷: ۱۵۴)، می‌گوید: «سن به سه دوره تقسیم می‌شود: سن تقویمی^۳ (تعداد سال‌ها از بدو تولد)، سن زیستی^۴ (بلوغ فیزیکی)، سن اجتماعی^۵ (وابسته به رویدادهای زندگی، مانند ازدواج، تولد اولین فرزند...)». هرچند این سه دوره می‌توانند در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشند.

به‌نظر نگارنده، سن زیستی و سن اجتماعی در به‌وجودآوردن زبان مخفی نقش مؤثری دارند. زیرا افراد با واردشدن به مرحله جوانی (سن زیستی)، و پذیرفته‌شدن در دانشگاه (سن اجتماعی)، می‌توانند مبدع یک گونه زبانی باشند. طبقه اجتماعی و سبک نیز می‌توانند در ایجاد گونه زبانی مؤثر باشند. سلینگ^۶ و استاین^۷ (۲۰۰۸: ۶۷۷-۶۷۴)، در مقاله «لغت و زبان مخفی پسران بزهکار»^۸ با مطالعه بر روی لغات یک‌صد پسر در کانون اصلاح و تربیت سن چارلز^۹ و مقایسه آن با دانش‌آموزان دبیرستانی، در محله‌ای با آمار پایین بزهکاری، دریافتند که: «زبان مخفی پسران بزهکار، مشخصه گروه آنان و وجه تمایزشان با سایر جمعیت محسوب می‌شود. ایشان در ادامه می‌افزایند که مدت‌هاست زبان مخفی مجرمانه، شناخته شده است و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد سابقه آن به بیش از ۳۰۰ سال قبل بازمی‌گردد.» آن‌ها در ادامه می‌گویند که گونه عامیانه^{۱۰} برطبق شرایط، سنت و محیط تغییر می‌کند و این تمایل وجود دارد که زبان عامیانه در هر شغل و حرفه‌ای، به‌ویژه حرفه‌ای که مورد ظن است، شکل گیرد.

برای این گونه زبانی (آرگو یا زبان مخفی)، تعریف‌های متعددی ارائه شده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عباراتی که توسط گروه خاصی از افراد به‌کار برده می‌شوند. (فرهنگ لانگمن^{۱۱}، ۲۰۰۶)

1. J Cheshire
2. P. Eckert
3. chronological age
4. biological age
5. social age
6. L. S. Selling
7. S. P. Stein
8. Vocabulary and Argot of Delinquent Boys
9. St. Charles Corrective School
10. slang
11. Longman Dictionary

فراوندهای واژه‌سازی زبان مخفی

- دایرة المعارف بریتانیکا^۱ (۲۰۰۸)، زبان مخفی را زبان خاص مجرمان می‌داند و می‌گوید این گویش اصطلاحی^۲، مربوط به زبانی است که خاص یک منطقه جغرافیایی یا طبقه اجتماعی است.

- دایرة المعارف ویکی‌پدیا^۳ (۲۰۰۸) می‌گوید: آرگو، زبان عامیانه‌ای است، که توسط گروه‌هایی همچون سارقان و مجرمان برای اجتناب از فاش شدن مکالمه و صحبت‌هایشان برای بیگانگان به کار می‌رود.

- سمائی (۱۳۸۲: ۷-۶)، در مورد مُبدعان زبان مخفی می‌گوید:

”زبان مخفی را دو گروه ابداع می‌کنند: اول قانون‌گریزان، زیرا نیاز به زبانی دارند که حافظ افکار و مقاصدشان باشد. دومین گروه کسانی هستند که برخلاف هنجارهای جامعه رفتار می‌کنند، و از آن‌جا که رعایت نکردن هنجارها باعث شماتت و انگشت‌نماد شدن می‌شود، آن‌ها سعی در مخفی کردن اسرار خود دارند. علاوه بر این، با ساختن این گونه زبانی، درصددند که نشان دهند متعلق به گروهی خاص هستند. سارقان، متکدیان، زندانیان، معتادان و گروه‌هایی که به نوعی مقرراتی را نقض می‌کنند، جزو گروه اول و نوجوانان و جوانان جزو گروه دوم هستند.“

۳. روش تحقیق

نگارنده برای جمع‌آوری واژه‌ها، پرسش‌نامه‌ای را در اختیار دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان قرار داد. دانشجویان این دانشگاه عمدتاً از شهرهای تهران، قزوین، ابهر، زنجان، هشتگرد، خرم‌دره، آبیگ و تاکستان هستند و متوسط سن ایشان ۲۱ سال است. سعی نگارنده بر این بود که از واژه‌های موجود در فرهنگ زبان مخفی (سمائی، ۱۳۸۲)، استفاده نکند. دلیل این کار آن است که، همان‌گونه که در بخش مقدمه اشاره شد، گونه‌های زبانی، حاصل عواملی همچون منطقه جغرافیایی، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، سن، سبک و تحصیلات هستند. بنابراین، می‌توان تفاوت‌هایی را در واژه‌های فرهنگ مذکور، که از دختران و پسران دبیرستانی شهر تهران به دست آمده‌اند، با واژه‌هایی که نگارنده جمع‌آوری کرده‌است، مشاهده کرد. زیرا

-
1. Britannica Encyclopedia
 2. term dialect
 3. Wikipedia Encyclopedia

مشخصاتی همچون منطقه جغرافیایی، سن، تحصیلات، و حتی داشتن شغل، باعث بروز تفاوت‌های زبانی است. علاوه بر عوامل ذکر شده، گذر زمان نیز می‌تواند باعث بروز تفاوت‌هایی بین این مجموعه واژه‌ها باشد. چراکه فرهنگ مذکور در سال ۱۳۸۲ به رشته تحریر درآمده، و طبیعی‌ست که می‌توان ادعا کرد که تغییر زبان در بستر زمان، مزید بر علت شده است. با این وجود، نگارنده، شباهت‌های بسیاری را نیز بین واژه‌های به‌دست‌آمده و واژه‌های موجود در این فرهنگ مشاهده کرد. در این پژوهش نگارنده پس از گردآوری داده‌ها، آن‌ها را دسته‌بندی و قواعد واژه‌سازی موجود را استخراج کرد، که البته برخی از این قواعد، نسبت به دیگر موارد، بسامد کمتری داشتند. واژه‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، بیش از ۶۰۰ مورد است. نگارنده از ۴۱۲ مورد استفاده کرده است، زیرا اصل اخلاق و حریم قلم در پژوهش حکم می‌کند که هر واژه‌ای نوشته نشود.

۴. واژه‌شدگی^۱

هرگاه زبان یا گونه زبانی تازه‌ای به‌وجود می‌آید، باید گفت که دلیل آن نیاز انسانی بوده است. بنابراین می‌توان گفت واژه‌های موجود در آن زبان یا گونه زبانی در خدمت رفع نیاز بشرند. در نتیجه، واژه‌سازی در بطن ساخت واژه^۲ و در کنار واج‌شناسی و نحو، دستور زبان را به‌وجود می‌آورد. واژه‌های بررسی‌شده در این پژوهش را می‌توان جزو مدخل‌های یک گونه زبانی به حساب آورد و در فرهنگ لغات ویژه‌ای ثبت کرد. زیرا هنگامی که نگارنده از گویشوران خواست که واژه‌های مخصوص خود را بنویسند، هیچ‌گونه صورت تصریف‌شده‌ای به‌دست نیامد. حتی در مورد کوتاه‌نوشتۀ **زاخ**، کوتاه‌شده **زاخار**، هردو صورت **زاخار** و **زاخ**، به‌معنای پسر، به‌دست آمد و گویشوران، بدون اشاره به کوتاه‌سازی، هردو را نوشته بودند. در نتیجه از نظر نگارنده، هردو واژه را می‌توان جزو واژگان^۳ گونه زبانی مورد نظر دانست. کریستال^۴ (۲۰۰۳: ۲۶۷)، مدخل را، در معنای عام، همان واژه یا لغت^۵ دانسته است، که می‌توان آن را در فرهنگ لغات ثبت کرد. طباطبایی (۱۳۷۶: ۸-۹) نیز در "فعل بسیط فارسی و واژه‌سازی"، می‌گوید: "در نظام

1. lexicalization
2. morphology
3. lexicon
4. D. Crystal
5. vocabulary

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

معناشناسی زبان، واحد ممیز کمینه، واژه قاموسی^۱ است. واژه قاموسی، واحدی انتزاعی است که مجموعه‌ای از گونه‌های دستوری، تظاهرهای آن هستند. این عنصر را از آن‌جا واژه قاموسی می‌نامیم که معمولاً مدخل‌های فرهنگ لغت از این صورت‌ها تشکیل می‌شود.^۲ بائر (۱۹۸۹: ۵۵-۵۰)، در مورد مدخل‌سازی در قسمت ساخت‌واژی^۳ اشاره می‌کند که در این روش واژه‌ها به سه طریق ساخته می‌شوند: ۱- ترکیب عناصر: ستاک+ عنصر پیوندی+ ستاک^۴، که البته گاهی این عنصر پیوندی می‌تواند تهی باشد مانند midwife. ۲- ریشه‌ها: در این روش، که به حوزه معنا بسیار نزدیک می‌شویم، می‌توانیم دو گونه تلفظی را برای یک ریشه در نظر بگیریم، و در نهایت به دو واژه دست پیدا کنیم. مانند /haus/ و /hʌz/ در واژه‌های house و husband. ۳- وندافزایی: در این روش وند و ریشه با یکدیگر ترکیب می‌شوند. مانند: assignment. بائر تأکید می‌کند که این روش بسیار زایا^۵ است. در این رابطه، مکاریتی^۶ (۱۹۹۲: ۳۲)، در مبحث زایایی و روابط معنایی، به نقل از کوربین^۷ (۱۹۸۷)، به دو روش واژه‌گردانی اشاره می‌کند: ۱- نظریه پیوسته^۸: در این روش واژه‌گردانی، ساختار و معنا، به‌طور عمیقی به یکدیگر پیوند می‌خورند، به نحوی که ساختار واژه می‌تواند معنای واژه را تعیین کند، یا به‌نوعی، آن را پیشنهاد کند. ۲- نظریه گسسته^۹: در این روش ساختار و معنای واژه، به‌طور مجزا حاصل می‌شوند. در واقع، فرایندهای واژه‌سازی مبتنی بر این دو نظریه، واژگان موجود در زبان را به‌وجود می‌آورند.

1. lexeme

به‌گمان نگارنده، Lexeme تکواژ قاموسی، و یک واحد ساده انتزاعی است. واحد فرهنگ‌نگاری را عموماً lexical unit یا واحدواژگانی می‌دانند، که می‌تواند شامل یک یا چند lexeme باشد.

2. L. Bauer

3. morphological

۴. برخی ریشه را معادل بهتری می‌دانند.

5. productive

متیوز (۱۹۹۱: ۷۷-۶۹) می‌گوید: زبان دارای قابلیت ساخت واژه است و اضافه می‌کند: در این رابطه یک طیف وجود دارد، زایایی در زبان، در یک سر طیف، و نازایی در سر دیگر طیف قرار دارد. کاتامبا (۱۹۹۳: ۷۳-۷۲) نیز به این مطلب اشاره می‌کند.

6. A. McCarthy

7. D. Corbin

8. associative theory

9. dissociative theory

۵. فرایندهای واژه‌سازی در زبان

زبان دارای حوزه‌های^۱ مختلفی است. دستوریان زایشی معتقدند این حوزه‌ها مستقل هستند. یکی از این حوزه‌ها ساخت‌واژه است. اکمیجیان و همکاران (۱۹۹۷: ۱۲) می‌گویند، ساخت‌واژه، زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی است که ساختار درونی واژه و روابط بین واژه‌ها را بررسی می‌کند. در این حوزه مرتبط به واژه، فرایندهای واژه‌سازی مطرح می‌شوند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد فرایندهای واژه‌سازی، که به وسیله آن‌ها واژه جدید ساخته می‌شود، به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته نخست، که مورد مطالعه بسیاری از زبان‌شناسان است، عبارتند از: اشتقاق و ترکیب (ابداع، قرض‌گیری، ترکیب، ادغام و ...) (یول^۲، ۱۹۹۶؛ اکمیجیان و دیگران^۳، ۱۹۹۷؛ بائر، ۱۹۸۹؛ متیوز^۴، ۱۹۹۱؛ کاتامبا^۵، ۱۹۹۳؛ و ...). دسته دوم، واژه‌سازی نئوکلاسیک^۶ است. واژه‌سازی نئوکلاسیک، به معنای ساخت واژه جدید با استفاده از عناصری است که خود واژه‌های مستقل محسوب نمی‌شوند، اما وند هم نیستند. مانند: psych در psychologie, psychosozial, psychiatrie. در زبان مخفی نیز فرایندهای واژه‌سازی به صورت چشمگیری زایا هستند، و تفاوت عمده زبان مخفی با زبان معیار در واژگان آن‌هاست. سمائی (۱۳۸۲: ۸-۷) می‌گوید: زبان مخفی یک زبان مستقل نیست. این گونه زبانی هم‌راستا با زبان معیار وجود دارد. گاهی واژه‌های ساخته‌شده در زبان مخفی به زبان مردم کوچه و بازار راه پیدا می‌کنند و حتی تبدیل به مدخل می‌شوند، و این خود یکی از راه‌های افزایش واژه‌های هر زبان است. واژه‌های ابداعی در زبان مخفی، مانند هر واژه دیگر، گاه تیره هستند، گاه شفاف. واژه‌ای مانند شصت‌ماخ (آدم دست‌وپاچلفتی)، کاملاً تیره است، زیرا نمی‌توان معنای آن را حدس زد، یا فهمید که در قیاس با چه واژه‌ای ساخته شده است.^۷ اما واژه‌ای مانند هلو، آشناتر از واژه‌ای مانند شصت‌ماخ است.

1. module
2. G. Yule
3. A. Akmajian and et. all.
4. P. Matthews
5. F. Katamba
6. neoclassical word formation: → www.canoonet.com : برگرفته از

نگارنده این تقسیم‌بندی را متناسب با این تحقیق می‌داند، با این وجود برخی معتقدند که این نوع دیگری از واژه‌سازی نیست، بلکه یک یا چند جزء از ساختمان واژه را سازه‌های پیوندی یا combining forms تشکیل می‌دهند.

۷. می‌توان گفت، در این مورد، و سایر موارد مشابه، نظریه گسسته وجود دارد.

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

دست‌کم می‌توان در مورد معنای احتمالی آن حدس‌هایی زد. در نتیجه، هلو به معنای دختر قشنگ، واژه‌ای شفاف است.^۱

۶. فرایندهای واژه‌سازی در زبان مخفی

نگارنده با بررسی داده‌ها به این نتیجه رسید که از لحاظ واژه‌سازی می‌توان داده‌ها را در سیزده طبقه اصلی قرار داد و آن‌ها را تحلیل کرد. در این جا نگارنده با معرفی هر طبقه به ارائه چند نمونه، به همراه معنای آن‌ها می‌پردازد. لازم‌به‌ذکر است که برخی کلمات دارای چند معنا هستند، مانند فنج، به عبارت دیگر، در این گونه زبان رخداد پدیده چندمعنایی بسیار زیاد است.

۶.۱. ابداع^۲

همان‌طور که می‌دانیم، ابداع یا ساختن، یکی از فرایندهای واژه‌سازی جهانی است که در این گونه زبانی نیز رایج است. لانگمن (۲۰۰۶: ۲۹۰)، ابداع را ساختن واژه یا عبارت جدید در زبان معرفی می‌کند. این فرایند در این گونه زبانی کاربرد بسیار دارد. مانند:

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| ۱- زاقول: <i>zaqul</i> : | آدم بی‌کار و بی‌هدف. |
| ۲- زد بازی: <i>zedbazi</i> : | روابط دختر و پسر برای دوست شدن. |
| ۳- خفت کردن: <i>xeft kardan</i> : | انجام کار خلاف. |
| ۴- قزوچ: <i>qozvit</i> : | خیلی زشت. |
| ۵- زاخ: <i>zax</i> : | پسر. |
| ۶- تل زدن: <i>tal zadan</i> : | تریاک کشیدن. |
| ۷- شاسگول: <i>lasgul</i> : | آدم احمق و خنگ. |
| ۸- اسکول: <i>oskul</i> ? : | آدم خنگ. |
| ۹- سانتان: <i>santan</i> : | آدم متجدد. |

۱. هرچند از نظر نگارنده، واژه هلو نیز می‌تواند کاملاً شفاف نباشد.

2. coinage

۲.۶. گسترش معنایی^۱

گسترش معنایی، افزودن معنای جدید به یک واژه است. هادسون^۲ (۲۰۰۰: ۲۵۹)، این روش را گسترده‌کردن حوزه معنایی واژه معرفی می‌کند، و واژه red را مثال می‌آورد و می‌گوید به‌غیر از معنای اصلی خود به فردی اشاره می‌کند که دارای تفکرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بررسی داده‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، که گویشوران این گونه زبانی، واژگان موجود در زبان معیار را به عاریه می‌گیرند و با گذاشتن معنای جدید، آن‌ها را به‌عنوان مدخل، وارد گونه زبانی خود می‌کنند. همان‌طور که سمائی (۱۳۸۲: ۸) اشاره می‌کند: «در زبان مخفی، بسیاری از واژه‌ها با افزودن معنای جدید و دادن ارزش عاطفی به واژه‌های موجود، یا تغییر واژه‌های موجود در زبان معیار، به‌دست می‌آیند.» اما دسته دیگر، گروهی از واژه‌ها یا عباراتی هستند که در زبان وجود دارند، یا دست‌کم بخشی از عبارات برای متکلمان آشنا است. اما در این گونه زبانی، این واژه‌ها و عبارات معنای متفاوتی به‌خود می‌گیرند که با معنای اولیه آن‌ها کاملاً متفاوت است. در این فرایند، مجاز می‌تواند تأثیرگذار باشد. مانند:

۱- سیرابی: زشت / آدم شل و وارفته.

۲- دل: قشنگ (اشاره به اشیا).

۳- آویزان: مزاحم.

۴- آب دماغ: آدم پررو و کثیف.

۵- کفتر: دختر.

۶- گوجه فرنگی / تخم مرغ: دانشجوی تازه

وارد.

۷- دست گیره: پهلوی.

۸- نخست وزیر شدن: به کسی رو دادن.

1. extension

آرلاتو در «درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی» (۱۳۸۴: ۲۰۱)، برای گسترش معنایی، واژه docga را مثال می‌آورد، که در انگلیسی باستان به‌معنای نوع خاصی از سگ‌های قوی بوده است، اما در انگلیسی میانه و نو، انواع سگ‌های اهلی شده را دربر می‌گیرد. به‌گمان نگارنده، این سبک واژه‌سازی، در زمانی است، اما آنچه که در زبان مخفی رخ می‌دهد، کاملاً هم‌زمانی است. بنابراین نگارنده، عبارت broadening را برای مثال بالا پیشنهاد می‌کند.

2. G. Hudson

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

- ۹- رئیس مزرعه: پدر.
۱۰- دماغ: خوشحال.
۱۱- پیکان جوانان: ماشین به‌درد نخور.
۱۲- شوت کردن: هروئین تزریق کردن.
۱۳- ساعت نه: اشاره به سمت چپ.
۱۴- ساعت دوازده: اشاره به سمت جلو.
۱۵- ساعت شش: اشاره به پشت سر.
۱۶- ساعت سه: اشاره به سمت راست.
۱۷- دراز: پا.
۱۸- پنیری: معتاد.

۳.۶. واژه با تعبیر نزدیک^۱

در این طبقه واژه‌ها یا عبارت‌هایی قرار دارند که، مانند طبقه دوم، دارای ارزش معنایی و عاطفی‌ای هستند که مبدعان این گونه زبانی به واژه یا عبارت می‌دهند، با این تفاوت که آنچه حاصل می‌شود، تعبیری کاملاً متفاوت ندارد. تعبیری که به واژه اطلاق می‌شود، به معنای اصلی یا معنای ضمنی واژه، همگرایی و نزدیکی دارد و شنونده می‌تواند تعبیر جدید را تاحدی حدس بزند. در صورتی که در دسته دوم، شنونده نمی‌تواند به راحتی به تعبیر جدید دست یابد. مانند:

- ۱- تونل وحشت: آدم زشت.
۲- دنبه: آدم چاق.
۳- کنه: آدم مزاحم.
۴- زیبای خفته: آدم قشنگ.
۵- منگول: آدم خنگ.
۶- قرون وسطایی: قدیمی.
۷- هار شدن: عصبانی شدن.
۸- خواهران صومعه: دختر/ خانم چادری.
۹- زن: ظریف.
۱۰- پیر این کار: خیلی حالیشه.
۱۱- انگل: آدم پررو.
۱۲- اتول سه‌چرخ: ماشین قراضه.
۱۳- بچه‌منفی: آدم خلاف.

1. close-interpretation word

این معادل توسط نگارنده پیشنهاد می‌شود.

۴.۶. گذر واژه از خاص به عام

این دسته به اسامی خاصی اشاره می‌کند که دارای بار و معنای عاطفی جدیدی می‌شوند، که گویشوران به آن‌ها می‌دهند. این اسامی با تعابیر و معنای جدید وارد حوزه واژگان زبان مخفی می‌شوند. تعدادی از این اسامی خاص، به‌قیاس ساخته می‌شوند، به‌نحوی که همگی، یک معنا دارند. مانند: عبدا...، هوشنگ... که به‌قیاس ساخته شده‌اند و به‌معنای آدم خنگ به‌کار می‌روند^۱. از جمله:

- ۱- زید: دوست جنس مخالف.
- ۲- جعفر: آدم ندید بدید.
- ۳- تام کروز: بسیار زشت (نام یک بازیگر آمریکایی. در مورد آقایان به‌کار می‌رود).
- ۴- جنیفر لوپز: دختر تمیز (نام یک خواننده آمریکایی) / ماشین کمری ۲۰۰۶.
- ۵- جواد: آدم ندید بدید/ پیکان.
- ۶- آرنولد: معتاد (نام یک بازیگر آمریکایی که قهرمان زیبایی‌اندام نیز هست).
- ۷- هوشنگ: آدم خل.
- ۸- زابل: آدم زشت.
- ۹- قارون: آدم متجدد.
- ۱۰- جواد مخفی: ماشین رُا.
- ۱۱- کامبیز: ماشین رنو.
- ۱۲- چنگیز: کسی که سبیل و ریش بلند دارد.
- ۱۳- اقدس: کسی که موهای بلند دارد.
- ۱۴- سهیلا خانم: پسری که مانند دختران موهای خود را بلند می‌کند.

۵.۶. قرض‌گیری

یکی از راه‌های افزودن واژگان، در این گونه زبانی، قرض‌گیری است، که یکی از راه‌های واژه‌سازی جهانی نیز محسوب می‌شود. تفاوت عمده این روش با قرض‌گیری جهانی آن است که

۱. از نظر نگارنده، این دسته نیز نوعی گسترش معنایی محسوب می‌شود.

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

این دسته به دو نوع تقسیم می‌شود. نخست واژه‌های قرضی، که در این گونهٔ زبانی، معنایی متمایز از زبان مبدأ به خود گرفته‌اند. مانند: آدم بی‌کار: show off. و گروه دوم از این طبقه، که معنای زبان مبدأ در آن‌ها کماکان حفظ شده است. مانند: های کلاس، باکلاس، کلاس‌بالا: high class.

نکتهٔ قابل تأمل در این دسته، آن است که بیشتر واژه‌های قرضی به‌دست‌آمده، با واژه‌ای از زبان مقصد ترکیب می‌شوند. یعنی می‌توان آن‌ها را واژهٔ قرضی نسبی^۱ دانست. واژهٔ قرضی نسبی، درمقابل واژهٔ قرضی، مانند high class، که کاملاً غیرفارسی است، لحاظ شده است.^۲ حال این واژهٔ قرضی ترکیبی، مانند زیرگروه اول (آدم بیکار: show off)، معنایی کاملاً متفاوت به خود گرفته است. یا مانند زیرگروه دوم (کلاس بالا: high class)، معنای زبان مبدأ را حفظ کرده است. اما از آن‌جا که معنای به‌دست‌آمدهٔ نهایی، بر واژهٔ قرضی استوار است، آن‌ها را در این طبقه جای می‌دهیم. این روش واژه‌سازی که جزو روش‌های واژه‌سازی جهانی محسوب نمی‌شود انواعی دارد که عبارتند از:

۶. ۵. ۱. واژهٔ قرضی کامل با معنای متفاوت

وقتی می‌گوییم واژهٔ قرضی کامل یعنی واژهٔ انگلیسی بدون تغییر وارد زبان می‌شود، اما منظور از معنای متفاوت یعنی این واژهٔ انگلیسی در زبان مقصد معنای متفاوتی از زبان مبدأ پیدا می‌کند.

۱- show off: آدم بی‌کار و علاف.

۲- sister wendy: دختر چادری.

۳- flash: حسینیه.

۴- target: دختر خیلی باحال.

۵- target: زیبایی.

۶- nice ass: عجب زور و بازویی داره.

1. partial loan word

۲. نگارنده برای این‌گونه واژهٔ قرضی، عبارت full loan word را به‌کار برده است.

۶. ۵. ۲. واژه قرضی نسبی با معنای متفاوت

وقتی می‌گوییم واژه قرضی نسبی یعنی واژه انگلیسی با واژه فارسی ترکیب می‌شود اما اصل این ترکیب همان واژه انگلیسی است، و منظور از معنای متفاوت یعنی این واژه انگلیسی در زبان مقصد معنای متفاوتی از زبان مبدا پیدا می‌کند.

۱- base کردن: آماده کردن یا درست کردن کوکائین.

۶. ۵. ۳. واژه قرضی کامل با معنای یکسان

وقتی می‌گوییم واژه قرضی کامل یعنی واژه بدون تغییر وارد زبان می‌شود، و منظور از معنای یکسان یعنی این واژه در زبان مقصد همان معنای زبان مبدا را حفظ می‌کند.

۱- کد (از زبان ترکی): دهات ← کدی: دهاتی.

۲- friendship: دوستی.

۳- daddy: بابا، پدر.

۴- mommy: مامان، مادر.

۵- nice chick: دختر قشنگ، مانند پرنسس (chick در زبان عامیانه انگلیسی به معنای دختر است).

۶- yankee: سرباز.

۶. ۵. ۴. واژه قرضی نسبی با معنای یکسان

وقتی می‌گوییم واژه قرضی نسبی یعنی واژه انگلیسی با واژه فارسی ترکیب می‌شود اما اصل این ترکیب همان واژه انگلیسی است، و منظور از معنای یکسان یعنی این واژه انگلیسی در زبان مقصد معنای زبان مبدا را حفظ می‌کند.

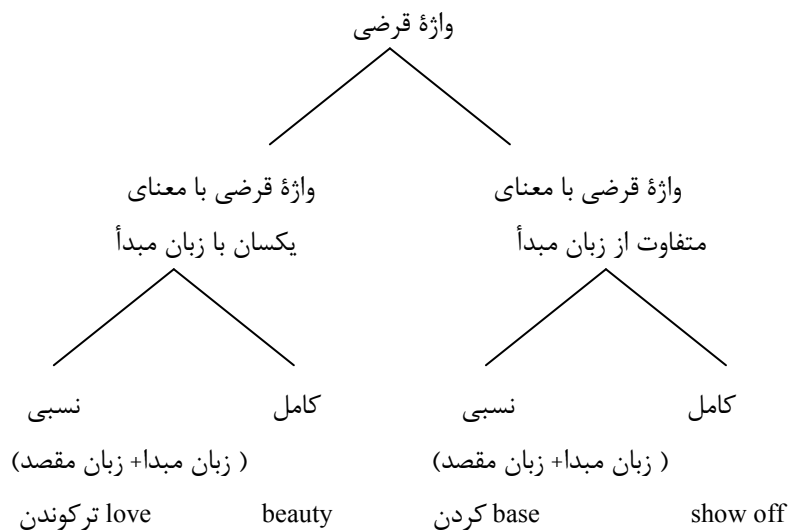
۱- love ترکوندن: عاشق بودن.

۲- love تریپ: عاشق بودن.

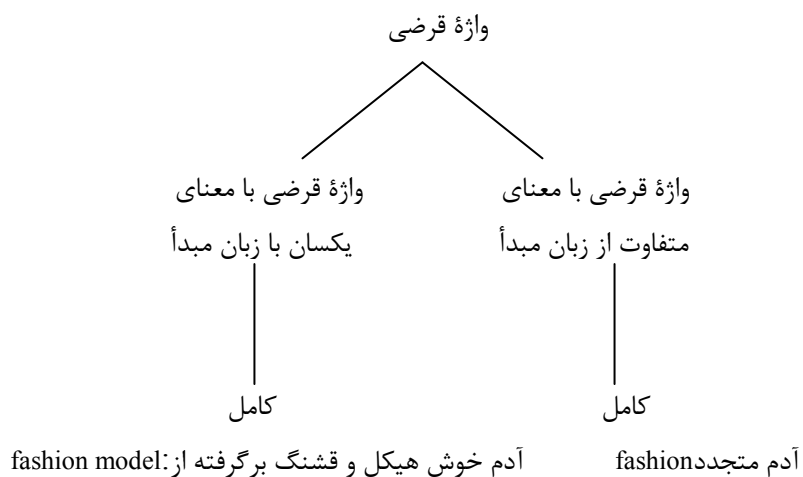
۳- divert کردن: تغییر مسیر از مسئله‌ای به مسئله دیگر: زیاد به این مسئله فکر نکن.

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

اگر بخواهیم آنچه را که ذکر کردیم در یک نمودار نشان دهیم، نمودار زیر به دست می‌آید:



در این دسته می‌توان واژه‌هایی را یافت که گاهی با همان معنای زبان مبدأ و گاهی با معنایی متفاوت در زبان مقصد (زبان مخفی) به کار می‌روند. یعنی نوعی از چندمعنایی در آن‌ها دیده می‌شود. مانند:



بررسی تمام داده‌های قرضی در پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که تنها واژه قرضی که نمی‌توان آن را حاصل ترکیب واژه فارسی و واژه انگلیسی دانست، کلمه شورتی است، که از short و "ی" وند صفت‌ساز، در فارسی حاصل می‌شود. با این وجود، کلمه شورتی نیز در نمودار ما صدق می‌کند یعنی می‌توان آن را واژه قرضی نسبی با معنای یکسان دانست.

short + ی ← شورتی: کوتوله.

روش دیگر واژه‌سازی نیز از راه قرض‌گیری صورت می‌گیرد. اما همان‌طور که گفته شد، عمده واژگان قرضی حاصل، با واژه‌های زبان مقصد ترکیب می‌شوند. در طبقه ۶، ۵ معنای نهایی عبارت، بر واژه قرضی استوار بود (در قسمت identical meaning). اما در این طبقه، معنای نهایی بر واژه زبان مقصد (زبان مخفی) استوار است. مانند:

۱- اُسکول face: احمق، احمقانه.

برای امتحان کردن این که احمق از face یا اُسکول به دست می‌آید، می‌توان معنای هر جزء این عبارت ترکیبی را جداگانه بررسی کرد. face به معنای صورت و اُسکول به معنای احمق است. بنابراین احمق یا احمقانه از اُسکول حاصل شده است.

۲- خوش face: قشنگ.

قشنگ بیش از آن که به لحاظ معنایی به face مرتبط باشد به خوش مربوط است.

۳- face شاخ: خوشگل، قشنگ.

در زبان مخفی، شاخ به معنای زیبایی و قشنگی است. بنابراین معنای نهایی عبارت، مبتنی بر واژه زبان مقصد است. یعنی خوشگل معنای نهایی خود را از شاخ می‌گیرد نه از face.

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

۶.۶. واژه با معنای عکس^۱

طبقه دیگری که نگارنده آن را جزو روش‌های منحصربه‌فرد واژه‌سازی در زبان مخفی می‌داند، ساخت یا ابداع واژه‌ای جدید است، که آن را در بافت متضاد به کار می‌برند. گاه واژه در زبان معیار وجود دارد و متکلمان زبان مخفی، تنها آن را در بافت متضاد به کار می‌برند. مانند زمانی که معلمی به شاگرد درس‌نخوانی بگوید: «عجب شاگرد درس خوانی!» مانند:

۱- خوش تیپ: یعنی بدتیپ.

۲- جیگر (قشنگ، آدم قشنگ به‌ویژه زن قشنگ): زن زشت.

۳- زیبایی خفته (قشنگ به‌ویژه دختر یا زن قشنگ): دختر زشت.

۴- خیلی خر (در زبان معیار وجود دارد. اما در زبان مخفی در بافت متضاد به کار می‌رود): خیلی حالیشه.

۵- خوشگل شهر آرزوها (در زبان مخفی ابداع شده است و در بافت متضاد به کار می‌رود): زشت.

۶- اندش (نهایت چیزی در خوبی): افتضاح، بد.

باید اضافه کرد که این طبقه کاملاً باز است، و بافت بلافصل، در تعیین معنای واژه، نقش مؤثر دارد.

۶.۷. طبقه کوتاه‌شده / مخفف^۲

طبقه دیگری، واژه‌ها یا عباراتی را دربر می‌گیرد که در زبان معیار وجود دارند اما متکلمان زبان مخفی آن واژه یا عبارت را کوتاه می‌کنند و آن واژه یا عبارت کوتاه‌شده، خود به یک مدخل در زبان مخفی تبدیل می‌شود.

۱- ازت: از تو متنفرم (این جمله در زبان معیار موجود است، اما پس از کوتاه‌سازی تبدیل به یک واژه می‌شود، که معنای آن عبارت در آن وجود دارد. در نتیجه در زبان مخفی یک مدخل است).

1. opposite meaning word

از نظر نگارنده، این دسته را نیز می‌توان نوعی گسترش معنایی دانست.

2. abbreviation

- ۲- سیگ: سیگار (پس از کوتاه‌سازی، به همان معنا وارد زبان مخفی شده و یک مدخل را به وجود آورده است. در نتیجه به جای سیگار، گفته می‌شود: سیگ).
- ۳- آس: باکلاس (پس از کوتاه‌سازی، به صورت یک مدخل در آمده است).
- ۴- اتول: اتومبیل (پس از کوتاه‌سازی، به صورت مدخل در آمده و جای واژه اتومبیل را گرفته است).
- ۵- کَرْتَم: نوکرتم (این جمله در زبان معیار وجود دارد و پس از کوتاه‌سازی، در زبان مخفی، مدخل شده است).

گاه این کوتاه‌سازی بر روی واژه قرضی صورت می‌گیرد و آن را تبدیل به یک مدخل می‌کند. مانند:

۱- اِنْد: آخر و نهایتِ خوبی (از top end گرفته شده است).

۶.۸. جزء واجی

یک روش دیگر واژه‌سازی که منحصر به زبان مخفی است، انتخاب یک واج به جای واج دیگر، در واژه، است. واژه، پس از این تغییر به صورت مدخل در زبان مخفی درمی‌آید. نگارنده چنین فرایند واژه‌سازی را در زبان معیار ندیده است. بائر (۱۹۸۹: ۵۳-۵۰)، در مبحث مدخل‌سازی می‌گوید: یکی از راه‌های واژه‌سازی، روش واجی^۱ است، که خود به دو نوع عروضی^۲ و جزء واجی^۳ تقسیم می‌شود. بائر در مورد گونه جزء واجی بیان می‌کند که آشکارترین نمونه این فرایند، تغییر آواست، که بر تکواژ به صورت مجزا یا در ترکیب با دیگر تکواژها تأثیر می‌گذارد. برای مثال در زبان انگلیسی واژه "dei/day" در برخی گویش‌ها به صورت /di/ تلفظ می‌شود و با همان تلفظ جزو مدخل‌های آن گویش است. /e/ به /i/ یا /e/ به شکلی طبیعی کاهش نمی‌یابد، بنابراین، کاهش /e/ به /i/ یک ویژگی غیرمعمول است.

در زبان مخفی نیز واژه‌سازی جزء واجی دیده می‌شود مانند:

۱- سیف: سیب (/f/ به جای /b/ به کار رفته است).

1. phonological
2. prosodic
3. phonological segment

فراوندهای واژه‌سازی زبان مخفی

۲- خواب: خواب (/ f / به جای / b / به کار رفته است).

۳- دفا: دعوا (/ f / به جای / v / به کار رفته است).

۴- قوریل: گوریل (/ q / به جای / g / به کار رفته است).

بائر (همان)، در ادامه می‌گوید که چنین تغییراتی در زبان، باعث به‌وجود آمدن تیرگی می‌شود. چه بسا همین تیرگی باعث می‌شود که برای چنین واژه‌های تغییر یافته‌ای مدخل جداگانه در نظر بگیریم.

۹.۶. سرواژه سازی

کریستال (۲۰۰۳: ۱۰) می‌گوید: ”سرواژه‌سازی، تلفظ حرف‌های اول چند واژه است. سرواژه^۱ به‌عنوان یک واژه مستقل تلقی و تلفظ می‌شود.“ مانند:
بی بی سی: (British Broadcasting Corporation).

سایت www.ling.uni-kostanz.de، در مقاله‌ای باعنوان ”انواع واژه‌سازی“ به سه روش اصلی اشاره می‌کند: ۱- افزایش (اشتقاق، ترکیب)، ۲- بدون تغییر (ابدال، اشتقاق صفر)، ۳- کاهش (سرواژه‌سازی، ادغام، اشتقاق پسرو، کوتاه‌سازی^۲). هر چند سرواژه‌هایی که نگارنده در هنگام این پژوهش ثبت کرده است، همگی حاصل قرض‌گیری بوده‌اند، اما از آن‌جاکه توسط گویشوران به‌کار می‌روند، جزو مدخل محسوب می‌شوند. مانند:

۱- آی کیو (Intelligence Quotient = IQ): خنگ.

۲- بی اف (Boy friend = BF): دوست پسر.

۳- جی اف (Girl friend = GF): دوست دختر.

۴- اصل (Age, Sex, Language=ASL): (در هنگام چَت کردن).

1. acronym

۲. این واژه معادل clipping است. مانند: lab از laboratory. و با آنچه که نگارنده از آن به‌عنوان طبقه کوتاه‌شده یاد می‌کند متفاوت است. زیرا در واژه‌هایی مانند: lab از laboratory می‌توان هردو را مدخل حساب کرد. اما در طبقه کوتاه‌شده، واژه، قبل از کوتاه‌سازی، جزو زبان معیار است و تنها پس از کوتاه‌شدن، به‌عنوان مدخل، وارد زبان مخفی می‌شود.

در نگاه اول، این واژه‌ها جزو طبقه قرض‌گیری قرار می‌گیرند، اما با توجه به اصل فاش نشدن اسرار در این گونه زبانی، می‌توان گفت تنها سمت راست نمودار است که به‌عنوان مدخل، در زبان مخفی لحاظ می‌شود. بنابراین چنین داده‌هایی در طبقه سرواژه‌سازی قرار می‌گیرند.

۶. ۱۰. ترکیب

کاتامبا (۱۹۹۳: ۵۴)، کلمه ترکیبی را متشکل از دست‌کم دو پایه می‌داند، که هر دو، به‌طور جداگانه، کلمه محسوب می‌شوند. یا می‌توان آن‌ها را تکواژ ریشه‌ای نامید. مانند:

[tea]N + [pot] N → [teapot] N

در داده‌های مورد بررسی، نگارنده به این نتیجه رسید که گاه واژه‌های ترکیبی، حاصل واژه‌های تیره هستند، که حاصل دو ریشه/ پایه کاملاً شفاف بوده‌اند. یعنی واژه حاصل، چیزی شبیه به اصطلاح است. ریچارد^۱ و همکاران (۱۹۹۲: ۱۷۲)، اصطلاح را عبارتی معرفی می‌کنند که مانند یک واحد منفرد عمل می‌کند و معنای آن را نمی‌توان از تک‌تک اجزا به‌دست آورد. نگارنده پس از بررسی تعاریف ارائه‌شده برای واژه ترکیبی، گفته متیوز (۱۹۹۱: ۸۵-۸۲) را مناسب واژه‌های ترکیبی زبان مخفی دانست:

« ترکیب فرایندی است که در طی آن، واژه قاموسی از دو یا چند تکواژ قاموسی ساده‌تر به‌وجود می‌آید. او در ادامه می‌افزاید: «واژه قاموسی حاصل، گاهی معنای غیرعادی یا خاص دارد، یعنی به‌طور کلی معنای آن از اجزای تشکیل‌دهنده آن، مانند آنچه که در واژه ترکیبی teapot در کاتامبا (۱۹۹۳: ۵۴) می‌بینیم، قابل پیش‌بینی نیست. حتی کلمه ترکیبی ساده‌ای مانند blackbird، که حاصل ترکیب black و bird است به‌معنای هر پرنده سیاهی نیست، بنابراین قابلیت پیش‌بینی ندارد.»

آنچه که نگارنده در برخی از داده‌های ترکیبی زبان مخفی ملاحظه کرد، با این تعریف متیوز هماهنگی دارد. می‌توان آن را معادل تعریف ریچارد نیز دانست.

1. J. C. Richard.

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

۱- دو در کردن: کار خلاف انجام دادن: (دو + در = دو در (اسم) + کردن ← دو در کردن (فعل)).

۲- زد بازی: روابط دختر و پسر برای دوست شدن: (زد (اسم خاص مخفف زید) + بازی (اسم) ← زد بازی (اسم مصدر)).

۳- آدم جوگیر: مصمم: (آدم (اسم) + جوگیر (صفت) ← آدم جوگیر (گروه اسمی)).

۴- تونل وحشت: زشت: (تونل (اسم) + وحشت (اسم) ← تونل وحشت (صفت)).

۵- یرقان تپه: آدم دست‌وپاچلفتی: (یرقان (اسم) + تپه (اسم) ← یرقان تپه (صفت)).^۱

گاه مقوله نحوی کلمه ترکیبی با مقوله نحوی اجزای آن یکی‌ست.

۶- عصای دست: برادر: (عصا (اسم) + دست (اسم) ← عصای دست (گروه اسمی)).

۶. ۱۱. کوتاه‌سازی

کریستال (۲۰۰۳: ۱)، کوتاه‌سازی یا صورت‌های کوتاه‌شده را کاهش صورت‌های طولانی‌تری می‌داند، که از انتهایشان کاسته شده است. مانند: ad از advertisement. اما در برخی موارد کوتاه‌سازی از ابتدای واژه صورت می‌گیرد مانند: plane از airplane. یا حتی گاهی کوتاه‌سازی هم‌زمان، از ابتدا و انتهای واژه صورت می‌گیرد مانند: flue از influenza. داده‌های زبان مخفی، در این طبقه، عبارتند از:

۱- آس: صورت کوتاه‌شدهٔ آسکول ← احمق: (واژهٔ آسکول در طبقهٔ اول قرار می‌گیرد).

۲- شاس: صورت کوتاه‌شدهٔ شاسگول ← گیج، خنگ: (واژهٔ شاسگول در طبقهٔ اول قرار می‌گیرد).

۳- چاقال: صورت کوتاه‌شدهٔ چاقاله ← گیج: (واژهٔ چاقاله در طبقهٔ دوم قرار می‌گیرد).

۴- زاخ: صورت کوتاه‌شدهٔ زاخار ← پسر: (واژهٔ زاخار در طبقهٔ اول قرار می‌گیرد).

۱. گاهی این واژه‌های ترکیبی از کلمات انگلیسی و فارسی به‌دست می‌آیند. مانند آنچه که در طبقهٔ پنج مشاهده

۶. ۱۲. ادغام

یول (۱۹۹۶: ۶۶) می‌گوید: ترکیب دو صورت مجزا برای تولید یک عبارت جدید و مستقل را ادغام^۱ می‌گویند. در این فرایند، معمولاً بخش ابتدایی یک واژه به بخش انتهایی واژه دیگر متصل می‌شود. مانند:

smoke + fog → smog. داده‌های موجود در این طبقه اندک هستند.

۱- اُس مخ: اُسکول + مخ ← خنگ.

۲- شاس مخ: شاسکول + مخ ← خنگ، گیج.

۷. تحلیل داده‌ها از لحاظ آماری و عاطفی

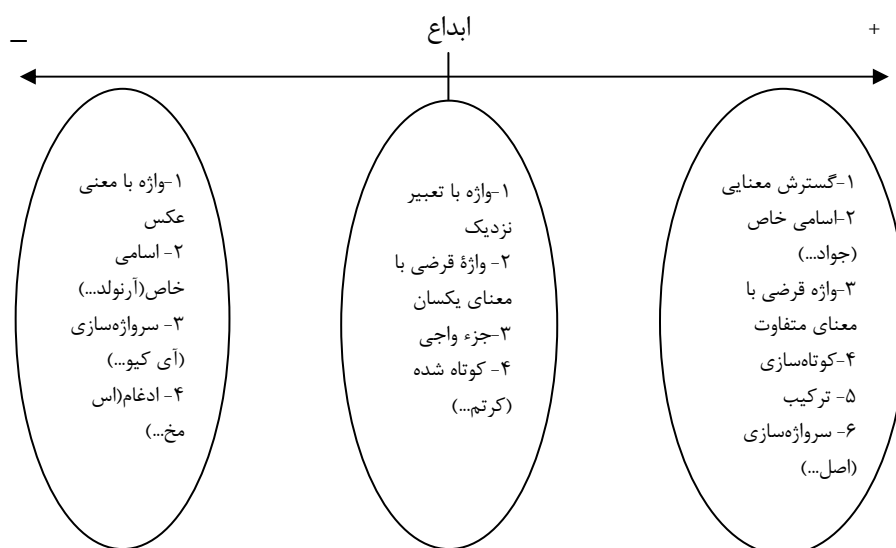
تحقیق حاضر بر روی ۴۱۲ داده صورت گرفت. اگرچه تعداد داده‌هایی که نگارنده از دانشجویان به‌دست آورد بیش از این بود. اما ماهیت خود زبان مخفی و گاهی حفظ حریم پژوهش، ایجاب می‌کند که برخی داده‌ها از پژوهش حاضر کنار گذاشته شوند. در هر صورت، نگارنده، داده‌ها را از لحاظ واژه‌سازی به سیزده طبقه تقسیم می‌کند. طبقه دوم، یعنی گسترش معنایی، با ۲۰/۵۱ درصد، بیشترین داده‌ها را به‌خود اختصاص داد. یعنی متکلمان زبان مخفی، بیشتر واژگان خود را از زبان معیار می‌گیرند، سپس معنا و بار عاطفی مستقل و جدیدی به آن می‌دهند. پس از طبقه دوم، کوتاه‌سازی با ۱۹/۲۳ درصد، بیشترین داده‌ها را به‌خود اختصاص داد. سپس ابداع، که ۱۱/۵۳ درصد داده‌ها را دربر می‌گیرد. پس از ابداع، قرض‌گیری، ۱۰/۲۵ درصد داده‌ها را به‌خود اختصاص داد. تعبیر نزدیک و اسامی خاص با گرفتن بار عاطفی و معنایی، که اسم خاص را به یک مدخل تبدیل می‌کند، ۹/۶۱ درصد داده‌ها را پوشش می‌دهند. ترکیب، ۴/۴۸ درصد داده‌ها را شامل است. طبقه هشتم، یا همان طبقه کوتاه‌شده، و واژه با معنای عکس، ۳/۴۸ درصد داده‌ها را دربر می‌گیرند. جزء واجی، ۳/۲۰ درصد کل داده‌ها را به‌خود اختصاص می‌دهد و در نهایت سرواژه‌سازی تنها ۲/۵۶ درصد داده‌ها را پوشش می‌دهد.^۲

1. blending

۱. نگارنده ادعا نمی‌کند آمار ارائه‌شده کاملاً دقیق است. پایایی کار مستلزم آن است که پژوهشگران دیگر همین تحقیق را در همین منطقه با ابزار یکسان (پرسشنامه ضمیمه‌شده) تکرار کنند.

فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی

بررسی آماری داده‌ها نشان می‌دهد که عمده واژه‌های موجود در زبان مخفی، از زبان معیار گرفته می‌شوند. هر واژه با افزودن معنای جدید، یا ارزش عاطفی، تبدیل به واژه‌ای با معنای دیگر می‌شود که در زبان مخفی یک مدخل را به وجود می‌آورد، مانند گوجه‌فرنگی که در زبان معیار، صیفی است اما در زبان مخفی به معنای دانشجوی تازه وارد است. حتی اسامی خاص نیز با گرفتن معنای جدید تبدیل به یک مدخل در زبان مخفی می‌شوند. مانند جواد (به معنای بخشنده)، که اسم خاص در زبان معیار است، اما با گرفتن معنای جدید، یا ارزش عاطفی، تبدیل به مدخل جدید در زبان مخفی می‌شود. و دیگر به معنای بخشنده نیست، و حتی اسم خاص محسوب نمی‌شود، بلکه به معنای آدم خنگ است. اگر بخواهیم این فرایند، یعنی افزودن معنا و بار عاطفی جدید را در مورد این دوازده طبقه، به صورت نظریه، در قالب نمودار^۱ نشان دهیم، خواهیم داشت:



نمودار ۱. افزایش معنا و بار عاطفی در زبان مخفی

اگر نمودار حاضر را نمودار افزایش بار معنایی و عاطفی جدید بنامیم، باید یک نقطه صفر در وسط آن، برای واژه‌هایی قرار دهیم که در زبان مخفی برای اولین بار ساخته می‌شوند. وجود

۱. نمودار حاضر بر اساس داده‌های گردآوری شده در این پژوهش از سوی نگارنده ترسیم شده است و می‌تواند قابل تغییر باشد.

علامت مثبت بیانگر بافتی است که واژه زبان مخفی، با معنای اولیه خود در آن به کار می‌رود. و وجود علامت منفی، بافتی را نشان می‌دهد که واژه موجود در زبان مخفی با معنای دیگری در آن به کار می‌رود. برای مثال، نقطهٔ ۰، واژه‌های طبقهٔ اول را، که برای نخستین بار ابداع شده‌اند، پوشش می‌دهد. در این نقطه هیچ‌گونه بارافزایی معنایی و عاطفی^۱، به‌غیراز معنای اولیه، به آن اضافه نمی‌شود، مانند شاسگول که برای اولین بار در این گونهٔ زبانی ساخته شده است و به معنای "خنک" به کار می‌رود. قلمروی مثبت نمودار، مربوط به طبقهٔ دوم است، جایی که واژه موجود در زبان معیار، معنایی جدید پیدا می‌کند و تبدیل به یک مدخل در زبان معیار می‌شود. مانند گوشت به معنای قشنگ. قلمروی منفی نیز همانند قلمروی مثبت نمودار عمل می‌کند، باین تفاوت که به علت محیطِ بلافصلِ متفاوت، شنونده، معنای عکس واژه را درک می‌کند. برای مثال: با دیدن یک آدم زشت، شخص الف به شخص ب می‌گوید: خوشگل شهر آرزوها داره می‌یاد. یعنی آدم زشت دارد می‌آید. در صورتی که می‌دانیم، خوشگل به معنای زشت نیست. به بیان دیگر، هرچه به سمت انتهای نمودار (خواه مثبت، خواه منفی) نزدیک می‌شویم، حدس زدن معنای واژه مشکل‌تر می‌شود.

۸. نتیجه

هدف از این مقاله، شناسایی فرایندهای واژه‌سازی موجود در زبان مخفی فارسی بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که این فرایندها عبارتند از: ابداع، گسترش معنایی، تعبیر نزدیک، گذر از اسامی خاص به عام، قرض‌گیری، واژه با معنای عکس، مخفف‌سازی، جزء واجی، سرواژه‌سازی، ترکیب، کوتاه‌سازی و ادغام. در نتیجه، فرضیهٔ تحقیق، که فرایندهای واژه‌سازی را منسوب به فرایندهای رایج در سایر زبان‌ها می‌دانست، تأیید می‌شود. اما در زبان مخفی، تخطی از این گرایش جهانی نیز تاحدی به چشم می‌خورد. به‌طور مثال، در قرض‌گیری، واژه زبان مبدأ و زبان مقصد، به اتفاق در خدمت واژه‌سازی قرار می‌گیرند. به‌علاوه یک نوع همپوشی بین دو روش قرض‌گیری و ترکیب به وجود می‌آید. فرایندهای واژه‌سازی منحصر به فرد، در این زبان، از جمله: جزء واجی، گذر از اسم خاص به عام، واژه با معنای عکس، واژه با تعبیر نزدیک، می‌توانند برای ساختن واژه‌های جدید در زبان معیار مورد استفاده قرار گیرند.

1. meaning and emotional load

منابع

- آرلاتو، آنتونی. (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه یحیی مدرسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سمائی، مهدی. (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات زبان مخفی*. تهران: نشر مرکز.
- طباطبایی، علاء الدین. (۱۳۷۶). *فعل بسیط فارسی و واژه‌سازی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- Akmajian, A. et al. (1997). *Linguistics: An Introduction to Language and Communication*. Massachusetts: Massachusetts Institute of Technology.
- Bauer, L. (1989). *English Word-Formation*. Cambridge University Press.
- Britannica Encyclopedia* (retrieved 2008). www.google.com.
- Cheshire, J. (2005). "Age and Generation-Specific Use of Language". In *Sciollinguistics: An Introductory Handbook of the Science of Language and Society*. U. Ammon, N. Dittmar, K. Mattheier & P. Trudgill (eds.). Berlin: Moutton de Gruyter. 1552-1563.
- Corbin, D. (1987). *Morphologie d'irivationnelle et structuration du lexique*. (2vols). Tübingen: Niemeyer.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics & Phonetics*. U.S.A.: Blackwell Publishing.
- Eckert, P. (1997). "Age as a sociolinguistic variable". in: *The Handbook of Sociollinguistics*. F. Coulmas. (ed.). Oxford: Blackwell. 151-167.
- Hudson, G. (2000). *Essential Introductory Linguistics*. Massachusetts: Blackwell Publishers Inc.
- Katamba, F. (1993). *Morphology*. London: Macmillan Press LTD.
- Longman Dictionary of Contemporary English* (2006). England: Pearson Education Limited.
- McCarthy, A. (1992). *Current Morphology*. London: Routledge Publication.
- Matthews, P. (1991). *Morphology*. New York: Cambridge University Press.
- Richards, J.C et al. (1992). *Longman Dictionary of Language Teaching & Applied Linguistics*. London: Longman Group UK Limited.
- Selling, L.S., & Stein S. P. (2008). "Vocabulary and Argot of Delinquent Boys". in: *The American Journal of Sociology*. No. 5 (Mar. 1934), Vol: 39, 674-677.
- Wardhaugh, R. (1990). *An Introduction to Sociollinguistics*. Massachusetts: Basil Blackwell.
- Wikipedia, The Free Encyclopedia* (2008). www.google.com.
www.ling.uni-kostanz.de

Yule, G. (1996). *The Study of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.